

Pathology of Iran's Economic Diplomacy Policymaking: Obstacles and Solutions

Reza zabiha¹

Seyed Jalal Dehghani Firooz Abadi²

Abstract

Economic diplomacy is one of the most important tools in the service of a country's foreign policy, which can lead to economic prosperity and increase the power and influence of a country in the global and regional arena. Examining the indicators of economic diplomacy including export, import, and foreign investment in the last decade indicates that the country's conditions in this field have fluctuated and sometimes declined. The continuation of this situation, while reducing Iran's regional power and influence, will reduce the trends leading to economic prosperity within the country; as a result, it is necessary to analyze the policymaking pathology of economic diplomacy in order to overcome the current situation. Accordingly, the fundamental question arises: what are the most important policy damages to Iran's economic diplomacy in the last decade? The provisional answer to this question is as follows: The lack of serious attention to the issue of lifting and neutralizing sanctions, the lack of a grand strategy based on interdependence with the global economy, especially with its neighbors, and the lack of a documented operational strategy based on the use of trade opportunities are the most important damages in the policymaking arena of Iran's economic diplomacy. The research method in this article is descriptive-analytical and it has been used to collect data and information from library and internet sources as well as official statistical sources in Iran and the world. Based on the findings of this study, in addition to the need to address the aforementioned harms, joining the World Trade Organization as a strategic priority, effective participation of the private sector in trade policy-making, confronting Iran phobia and branding Iranian products, reforming laws and the legal system to facilitate trade and investment relations, the existence of an economic unit command in trade matters, and quantitative and qualitative improvement of trade advisors are considered as secondary solutions.

Keywords: Iran, economic diplomacy, pathology, policymaking, sanctions, interdependence

¹ Assistant Professor of International Relations, Department of Iranian Geography Studies, Iranology Foundation, Tehran, Iran.

Email: r.zabihi@iranology.ir

² Professor of International Relations, International Relations Department, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

Email: dehghani@atu.ac.ir

آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری دیپلماسی اقتصادی ایران؛ موانع و راهکارها

رضا ذبیحی^{۱*}

سید جلال دهقانی فیروزآبادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

چکیده

دیپلماسی اقتصادی یکی از مهمترین ابزارها در خدمت سیاست خارجی یک کشور است که می‌تواند منجر به شکوفایی اقتصادی و افزایش قدرت و نفوذ یک کشور در عرصه جهانی و منطقه‌ای شود. بررسی شاخص‌های دیپلماسی اقتصادی مشتمل بر صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری خارجی در یک دهه اخیر نشان می‌دهد که شرایط در این زمینه پر نوسان بوده است. تداوم این وضعیت، ضمن کاسته شده از قدرت منطقه‌ای و اثرگذاری ایران، باعث کاهش روندهای منجر به شکوفایی اقتصادی در داخل کشور می‌شود؛ در نتیجه آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری دیپلماسی اقتصادی به منظور برون رفت از وضعیت فعلی ضروری است. بر این اساس، این پرسش اساسی مطرح می‌گردد که مهمترین آسیب‌های سیاستی متوجه دیپلماسی اقتصادی ایران در یک دهه اخیر چیست؟ پاسخ موقت به این پرسش بدین شرح است: عدم اهتمام جدی نسبت به موضوع رفع و خنثی‌سازی تحریم‌ها، فقدان استراتژی کلان‌مبتهی بر وابستگی متقابل با اقتصاد جهانی به ویژه با همسایگان و فقدان راهبرد عملیاتی مدون مبتنی بر استفاده از فرصت‌های تجاری مهمترین آسیب‌ها در عرصه سیاست‌گذاری دیپلماسی اقتصادی ایران است. روش پژوهش در این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش علاوه بر ضرورت اهتمام نسبت به رفع آسیب‌های ذکر شده، پیوستن به سازمان تجارت جهانی به عنوان یک اولویت راهبردی، حضور موثر بخش خصوصی در سیاست‌گذاری‌های تجاری، مقابله با ایران‌هراسی و برندسازی محصولات ایرانی، اصلاح قوانین و نظام حقوقی به منظور تسهیل روابط تجاری و سرمایه‌گذاری، وجود فرماندهی واحد اقتصادی در امر تجارت و ارتقا کمی و کیفی رایزنان بازرگانی به عنوان راهکارهای فرعی مدنظر است.

واژگان کلیدی: ایران، دیپلماسی اقتصادی، آسیب‌شناسی، سیاست‌گذاری، تحریم، وابستگی متقابل

^۱ استادیار روابط بین‌الملل، گروه مطالعات جغرافیای ایران، بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: r.zabihi@iranology.ir

^۲ استاد روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Email: dehghani@atu.ac.ir



دیپلماسی اقتصادی یکی از مهم‌ترین وجوه سیاست‌های کلان اقتصادی و بالتبع سیاست‌های کلان یک کشور می‌باشد و به عنوان یکی از پارامترها در ارزیابی حکمرانی خوب مورد توجه جدی قرار دارد. عموماً یک دیپلماسی فعال و برون‌گرا می‌تواند باعث رشد اقتصادی کشور گردد و زمینه را برای بهبود شاخص‌های اقتصادی خرد و کلان کشور فراهم آورد. بهبود شرایط اقتصادی نیز حداقل دو اثر تومانی خواهد داشت: نخست اینکه باعث رونق در کسب و کار، افزایش امید به زندگی، افزایش درآمد سرانه، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای سطح کیفی زندگی خانوارها می‌گردد و دوم اینکه باعث افزایش قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی کشور می‌گردد. زیرا کشوری که سهم بیشتری در اقتصاد جهانی داشته باشد، همزمان قادر خواهد بود سهم بیشتری در تعاملات و معادلات بین‌المللی داشته باشد. بنابراین پرداختن به آسیب‌شناسی دیپلماسی اقتصادی کشور بنا به دلایل پیش گفته می‌تواند از اهمیت بسزایی برخوردار باشد. نحوه و چگونگی مواجهه با این مسأله به عنوان یک موضوع با اولویت بالا در سیاست‌های کلان هر کشور، ضرورت‌های این پژوهش را روشن می‌نماید. در نتیجه در کنار اهدافی نظیر کنکاش در اسباب و علل آسیب‌های دیپلماسی اقتصادی، جست‌وجوی راهکارهایی به منظور برون‌رفت از وضعیت فعلی به عنوان هدف اصلی این پژوهش مطرح است. بر این مبنا این سوالات اصلی و فرعی شکل می‌گیرد که مهمترین آسیب‌های متوجه دیپلماسی اقتصادی ایران در دو دهه اخیر چیست؟ و اینکه چه راهکارهایی به منظور مواجهه با این آسیب‌ها وجود دارد؟ در پاسخ به سوال نخست این فرضیه اصلی شکل می‌گیرد که عدم اهتمام جدی نسبت به موضوع رفع و خنثی‌سازی تحریم‌ها، فقدان استراتژی کلان‌مبنتی بر وابستگی متقابل با همسایگان و فقدان راهبرد عملیاتی مدون‌مبنتی بر استفاده از فرصت‌های تجاری مهمترین آسیب‌های متوجه دیپلماسی اقتصادی ایران است. در پاسخ به سوال دوم نیز راهکارهای مدنظر در بخش انتهایی یافته‌های پژوهش مورد اشاره قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج این پژوهش، تاکنون تلاش‌های زیادی از سوی دولت‌های مختلف برای تبلور ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی کشور صورت گرفته است. از جمله می‌توان به تلاش برای انعقاد قراردادهای به منظور ایجاد بلوک‌های تجاری و همچنین اقداماتی برای ارتقای کمی و کیفی مسیرهای تجاری منتهی به ایران اشاره کرد. اما باید مجموعه آسیب‌هایی که منجر به عدم رونق دیپلماسی اقتصادی می‌شود شناسایی و در قالب برنامه‌ای منسجم، مدون و یکپارچه برای رفع موانع و چالش‌های مرتبط با آن اقدام کرد. این تحقیق به دنبال راه‌حلهایی برای دستیابی به این هدف است.

به منظور ساماندهی پژوهش نیز پس از ترسیم وضعیت دیپلماسی اقتصادی ایران، آسیب‌هایی که مانع از شکل‌گیری وابستگی متقابل و بهبود شرایط دیپلماسی اقتصادی شده، بررسی می‌گردد و سپس راهکارهایی جهت رفع آنها و بهبود شرایط طرح می‌گردد.

۱- پیشینه پژوهش

پژوهش‌ها و تالیفات متعددی تاکنون در خصوص دیپلماسی اقتصادی ایران منتشر گردیده است و در آنها جوانب و مسائل مختلف این موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به اهمیت دیپلماسی اقتصادی در منابع مختلف به این موضوع پرداخته شده که می‌توان در چند دسته به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

آثاری که به بررسی دیپلماسی اقتصادی ایران در یک منطقه خاص می پردازد. از جمله کهرازه (۱۳۹۹) در پژوهشی دیپلماسی اقتصادی و مناسبات استراتژیک توسعه ای ایران با هند را بررسی کرده است و یا معاونت مطالعات سیاسی وزارت خارجه (۱۴۰۰) در پژوهشی دیگر راهکارهای تقویت دیپلماسی اقتصادی ایران و جمهوری ارمنستان پس از بحران قره باغ را بررسی کرده است.

آثاری که به بررسی سیر و چگونگی دیپلماسی اقتصادی در دوره های مختلف پرداخته اند. از جمله دیپلماسی اقتصادی ایران در دوران صلح گرایي مردم سالار در پژوهشی توسط صالحی (۱۳۹۳) بررسی شده است و یا در پژوهشی دیگر دامن پاک جامی (۱۳۹۸) روندها و تحولات، فرصت ها و چالش های پس از توافق هسته ای را در دوره روحانی بررسی کرده است.

آثاری که جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی کشور را مورد تحلیل قرار داده اند. از جمله می توان به پژوهشی توسط حیدری و انعامی علمداری (۱۳۹۱) اشاره کرد و یا پژوهشی که توسط ذوالفقاری و زینی وند (۱۳۹۷) انجام شده و جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران در دوره دولت های احمدی نژاد و روحانی واکاوی کرده است.

آثاری که بر چالش های دیپلماسی اقتصادی از منظر عنصر ژئوپلیتیک متمرکز شده اند. در این مطالعات نسبت به وجود چالش ها و معضلات برای تحقق وضعیت مطلوب دیپلماسی اقتصادی در کشور اذعان شده است. به عنوان نمونه قلی پور، برزگر و شاهنده (۱۴۰۰) با ارزیابی متغیر ژئوپلیتیک بر دیپلماسی اقتصادی ایران معتقد هستند، ایران نتوانسته است از موقعیت ژئوپلیتیکی و امکانات موجود خود در پیشبرد اهداف دیپلماسی اقتصادی به طور مطلوب بهره بگیرد. در پژوهشی دیگر در این عرصه نیز فتحی (۱۳۸۸) به بررسی نتایجی پرداخته است که ساختار و تحولات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطقه و جهان بر دیپلماسی اقتصادی ایران دارد.

علی رغم اقدامات و تلاش های درخوری که تاکنون در حیطه ی این مقولات پژوهشی صورت گرفته است، این پژوهش درصدد است با نگاهی عینی به داده های آماری و تجزیه و تحلیل آنها ابتدا به بازنمایی واقعیات موجود بپردازد و از منظر به نقد سیاست گذاری دیپلماسی اقتصادی در ایران بپردازد. آنگاه با عنایت به مطالعات انجام شده دلایلی که منجر به ترسیم شرایط فعلی شده است را در قالب آسیب شناسی سیاست گذاری دیپلماسی کشور شناسایی نماید و آنگاه درصدد ارائه راهکارهایی برای مواجهه با آن شرایط برآید.

۲- روش شناسی تحقیق

نوع این پژوهش کاربردی است چرا که متمرکز بر علت یابی و یافتن راه حل در خصوص مسائل و مشکلات مبتلابه کشور می باشد. رویکرد محقق در انجام این پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی می باشد و به منظور گردآوری داده ها و اطلاعات از منابع کتابخانه ای و اینترنتی و نیز منابع آماری رسمی در سطح ایران و جهان استفاده شده است. روش تحلیل داده ها به صورت مختلط است و هر دو داده های کمی و کیفی مورد تحلیل قرار گرفته است. به منظور عملیاتی شدن این روش، یافته های تحقیق مبتنی بر داده های اولیه اعم از کمی و کیفی استخراج و تبیین گردیده است. یافته ها نیز در غالب روش مذکور مورد محک قرار گرفته است.

۳- مبانی نظری و مفهومی:

۳-۱- مبانی مفهومی: دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی یکی از مهمترین وجوهی است که به تعمیق و گسترش روابط متقابل میان کشورها می انجامد. دیپلماسی وسیله ای واقعی برای حل منازعات و ایجاد صلح در شرایط بحرانی بین ملت ها است. دیپلماسی همچنین تبادل اطلاعات، ارتباطات و دانش بین ملت ها را تسهیل می کند. در زبان روزمره، دیپلماسی بیشتر از منظر جنبه سیاسی مورد توجه قرار می گیرد، با این حال



دیپلماسی ابعاد مهمی دیگر از منظر اجتماعی-اقتصادی دارا است. (Charles, 2022: 2) امروزه، این مقوله صرفاً منحصر به دیپلماسی سیاسی نیست، بلکه به مرور نقش و جایگاه انواع دیگر دیپلماسی نیز پر رنگ شده است و اشکالی نظیر دیپلماسی عمومی جایگاه خاصی پیدا کرده‌اند. در حالی که تا دوره جنگ سرد روابط دیپلماتیک کشورها عمدتاً بر مسائل سیاسی و امنیتی متمرکز بود، اما پس از سقوط دیوار برلین و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی جنبه اقتصادی دیپلماسی در استراتژی کشور به ویژه کشورهای اروپایی ظاهر شد. (Pontes, 2024: 155) بنابراین به تدریج دیپلماسی اقتصادی به یکی از این مهمترین جنبه های دیپلماسی امروزی تبدیل شد. دیپلماسی اقتصادی را بعضاً سیاست‌گذاری در حوزه مسائل اقتصادی با رویکرد سیاسی دانسته‌اند. بدین معنا، واژه دیپلماسی اقتصادی به طیف گسترده‌ای از روابط اقتصادی بین‌المللی اشاره دارد که شامل جذب سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال فناوری، توسعه پایدار، امنیت انرژی و همکاری‌های چندجانبه در موضوعات اقتصادی کلان می‌شود. این نوع دیپلماسی فراتر از معاملات تجاری عمل می‌کند و هدف آن شکل‌دهی به محیط اقتصادی جهانی و پیشبرد منافع ملی است. این تعریف متمایز از دیپلماسی تجاری است که بخشی از دیپلماسی اقتصادی محسوب می‌شود. چرا که دیپلماسی تجاری تمرکز محدودتری دارد و به طور خاص بر ترویج کالاها و خدمات یک کشور در بازارهای بین‌المللی متمرکز است. (Pepic, 2023) همچنان که برجیک و مون نیز تأکید می‌کنند که اگر چه دیپلماسی اقتصادی و را معمولاً با دیپلماسی تجاری مترادف به حساب می‌آورند، اما دیپلماسی اقتصادی مفهومی گسترده‌تر از دیپلماسی تجاری را شامل می‌شود. بطوری که علاوه بر فعالیت‌ها در زمینه گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری شامل فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی نیز می‌شود. (Bergeijk & Moons, 2018: 1-2) برطبق تعریف جاستینک، دیپلماسی اقتصادی شامل فعالیت‌های حکومت و شبکه‌های بین‌المللی آن است که طی آن حکومت از روابط و نفوذ خود به منظور ایجاد قابلیت تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی استفاده می‌کند. (Justinek, 2018: 30) اصطلاح دیپلماسی اقتصادی از نظر بارانای نیز ناظر بر اقدامات رسمی دیپلماتیکی است که بر اهدافی نظیر افزایش صادرات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت در سازمان‌های اقتصادی جهانی متمرکز است تا منافع کشورها در خارج از مرزها تأمین شود. (Baranay, 2009: 2) در واقع هدف عمده از دیپلماسی اقتصادی تأثیرگذاری بر تصمیم‌های خارجی کشور در زمینه انجام فعالیت‌های اقتصادی نظیر صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری است. (Bergeijk, 1995: 443-445) سانر و یی‌ئو هم بر این باور تأکید دارند که دیپلماسی اقتصادی ارتباط موضوعی اش با سیاست‌های اقتصادی هر کشور است و دیپلمات اقتصادی به تصمیم‌گیرندگان کشورش درباره نحوه و چگونگی تأثیر بر سیاست‌های اقتصادی سایر کشورها مشاوره می‌دهد. (Saner & YIU: 2003: 3-4) چنانکه دیپلماسی اقتصادی مترادف با عنوان «سیاستمداری اقتصادی»^۱ نیز به کار رفته است. به ویژه پس از آنکه هیلاری کیلنتون وزیر خارجه سابق آمریکا موضوع هنر کشورداری اقتصادی را در برنامه‌های خود مطرح کرد، اندیشکده‌های آمریکایی با تکرار بیشتری از این اصلاح استفاده کردند. (Xiaotong, 2024: 11-12) زیروویک نیز معتقد است دیپلماسی اقتصادی به عنوان ابزاری در سیاست خارجی مطرح است تا کشورها بتوانند به اهداف مربوط به توسعه و رفاه ملی دست پیدا کنند. (Zirovcic, 2017: 1-3) اما آکاینو هجمنز دیدگاه موسع‌تری دارد چنانکه عنوان می‌دارد دیپلماسی اقتصادی دارای دو هدف تجارت و رفاه از یکسو و قدرت و امنیت از سوی دیگر است. (Okano-Heijmans, 2011: 16) در مجموع، دیپلماسی اقتصادی از این ویژگی‌ها برخوردار است: تقدم ملاحظات اقتصادی بر ملاحظات سیاسی برای تأمین منافع ملی، تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها و برنامه‌ریزی در جهت سازگاری و پذیرش تحولات اقتصاد جهانی. (موحدین، ۱۳۸۶: ۴۰)

۳-۲- چهارچوب نظری: وابستگی متقابل پیچیده

نظریه‌های مبتنی بر همگرایی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در قالب‌هایی همچون کارکردگرایی توسط دیوید میترانی، نوکارکردگرایی بوسیله ی ارنست هاس و جوزف نای و ارتباطات توسط کارل دویچ طرح گردید که بر اساس این نظریات، آنها

¹ economic statecraft

سعی نمودند طرحهایی به منظور همگرایی میان دولتهای اروپایی مطرح کنند. (حاجی یوسفی، ۱۳۷۶: ۱۰۰۳) به دنبال این نظریات و برگرفته از آنها، نظریه رژیمهای بین المللی در محافل آکادمیک پی ریزی می شود که در واقع ادامه نظریه های نهادگرایی نولیبرال می باشد. (عسکرخانی، ۱۳۸۳: ۷۲) کراسنر مهمترین نقشی که با شکل گیری رژیمهای بین المللی بوجود می آید را ایجاد همکاری بین بازیگران دولتی می داند. (Krasner, 1982: 2) چرا که نهادها و رژیمهای بین المللی به این بازیگران کمک می کنند تا به یکدیگر اعتماد نمایند و آگاه شوند که طرف مقابل نیز به آنها خیانت نخواهد کرد. (Hopf, 1998: 189)

در واقع بر اساس تمامی نظریات مبتنی بر همگرایی، منطقه گرایی و رژیم های بین المللی که تمرکز بر ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی دارند، حداقل به دو دلیل شرایطی برای کشورها ایجاد می گردد که بتوانند به سمت همکاری بیشتر حرکت نمایند. نخست به این علت که کشورها از همکاری با یکدیگر سود بیشتری را کسب می نمایند و همزمان با این اقدام باعث می شوند هزینه منازعه افزایش یابد. دوم بدین جهت که وابستگی اقتصادی فزاینده موجب بروز و ظهور یکسری از هنجارها، قواعد و نهادهای بین المللی می شود که برای ایجاد، تسهیل و همکاری میان کشورها بوجود می آیند. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۵۴)

نظریه وابستگی متقابل پیچیده که توسط محققانی مانند رابرت کوهن و جوزف نای مطرح شده است، بر این ایده استوار است که کشورها در عصر جهانی شدن به طور فزاینده ای به یکدیگر وابسته هستند. این وابستگی متقابل می تواند در حوزه های مختلفی مانند تجارت، سرمایه گذاری، و فناوری ظهور کند. بر اساس نظریه وابستگی متقابل پیچیده مسائل اساسی جهان دیگر تنها مسائل نظامی، امنیتی و راهبردی نمی باشند، بلکه مسائل اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت بیشتری برخوردار شده اند. این دگرگونی، حرکت از سیاست حاد به سوی سیاست ملایم نامیده می شود. در این شرایط منابع موجود در عرصه جهانی میان شمار بیشتر از بازیگران توزیع می گردد و لذا همکاری بطور داوطلبانه جایگزین تعارض و خصامه می گردد. (Keohane & Nye: 1977: 5-35) کوهن و نای معتقدند وابستگی متقابل در شرایطی شکل می گیرد که شاخص اصلی آن تأثیر متقابل کشورها یا بازیگران مختلف بر یکدیگر است. بدین معنی که دولت ها و جوامع نسبت به رویدادها و روندهایی که در دیگر کشورها اتفاق می افتد، متأثر می شوند؛ به گونه ای که اگر جایگاه یک ملت تغییر یابد در پی آن جایگاه دیگر ملتها نیز در تحت تأثیر قرار می گیرد. (Keohane and Nye, 1987: 728). کوهن عنوان می دارد که این تأثیر گذاریها اغلب از طریق مبادلات بین المللی نقل و انتقال پول، کالا، افراد و پیام در سطح بین المللی ایجاد می شود. (Keohane, 1984: 366)

این نظریه می تواند افزایش صادرات، بهبود تراز تجاری و افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی^۱ را به شرح زیر توجیه کند:

۱. افزایش صادرات

وابستگی متقابل بین کشورها باعث می شود که آنها برای دستیابی به کالاها و خدمات خاص به یکدیگر متکی باشند. این وابستگی می تواند منجر به افزایش صادرات شود، (Alfaro-Urena et al., 2023: 1) زیرا کشورها برای تأمین نیازهای خود به بازارهای خارجی وابسته می شوند. به عنوان مثال، یک کشور ممکن است در تولید کالاهای خاص تخصص یابد و آنها را به کشورهای دیگر صادر کند، در حالی که خودش کالاهای دیگری را وارد می کند. این تخصص گرایی و تقسیم کار بین المللی منجر به افزایش حجم تجارت و صادرات می شود.

۲. بهبود تراز تجاری

^۱ FDI

وابستگی متقابل می‌تواند تراز تجاری یک کشور را بهبود بخشد، زیرا کشورها با افزایش صادرات و کاهش واردات کالاهایی که می‌توانند خود تولید کنند، به تعادل تجاری بهتری دست می‌یابند. (Beshkar & Lashkaripour, 2017) به عنوان مثال، اگر یک کشور بتواند با استفاده از مزیت‌های نسبی خود (مانند نیروی کار ارزان یا منابع طبیعی) کالاهای با ارزش افزوده بالا تولید کند و آنها را صادر کند، می‌تواند تراز تجاری خود را بهبود بخشد. همچنین، وابستگی متقابل می‌تواند منجر به توافقات تجاری دوجانبه یا چندجانبه شود که موانع تجاری را کاهش داده و به بهبود تراز تجاری کمک می‌کند.

۳. افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

وابستگی متقابل اقتصادی باعث می‌شود که کشورها برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رقابت کنند. سرمایه‌گذاران خارجی تمایل دارند در کشورهایی سرمایه‌گذاری کنند که دارای ثبات سیاسی، اقتصادی و دسترسی به بازارهای جهانی هستند. وابستگی متقابل می‌تواند این شرایط را فراهم کند، زیرا این امر باعث صلح مبتنی بر سرمایه داری و تجارت می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی، سلیمی و منادی زاده، ۱۳۹۸: ۷۶-۷۵) کشورها برای جذب سرمایه‌گذاری، سیاست‌های اقتصادی خود را بهبود می‌بخشند و محیط کسب‌وکار را تسهیل می‌کنند. به عنوان مثال، کشورهایی که در زنجیره‌های ارزش جهانی مشارکت دارند، جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران خارجی دارند.

۴- یافته‌های پژوهش:

۴-۱- تحلیل وضعیت دیپلماسی اقتصادی ایران

به منظور ارزیابی وضعیت دیپلماسی اقتصادی کشور می‌توان پارامترهای مختلفی را بررسی کرد. در این میان چهار پارامتر ارزش صادرات و واردات، تراز تجاری و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ می‌تواند به عنوان مبنایی اساسی در جهت این ارزیابی‌ها تلقی گردد. در جداول زیر این عناوین طی یک دهه اخیر مورد بررسی قرار گرفته است. (گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲)

سال	صادرات	واردات	تراز تجاری
۱۳۹۲	۳۱.۵۵۲	۴۹.۷۰۹	-۱۸.۱۵۷
۱۳۹۳	۳۶.۵۵۵	۵۳.۵۶۹	-۱۷.۰۱۴
۱۳۹۴	۴۲.۴۲۹	۴۱.۵۳۹	-۰.۸۹
۱۳۹۵	۴۴.۰۴۲	۴۳.۶۸۳	۰.۳۵۹
۱۳۹۶	۴۶.۹۸۲	۵۴.۴۵۹	-۷.۴۷۷
۱۳۹۷	۴۴.۶۷۰	۴۳.۱۶۸	۱.۵۰۲
۱۳۹۸	۴۱.۴۲۳	۴۴.۰۹۱	-۲.۶۶۸
۱۳۹۹	۳۴.۸۶۰	۳۸.۸۹۰	-۴.۰۳
۱۴۰۰	۴۸.۴۴۰	۵۲.۹۹۶	-۴.۵۵۶
۱۴۰۱	۵۴.۱۳۹	۶۰.۳۰۹	-۶.۱۷

میزان صادرات غیرنفتی، واردات و تراز تجاری ایران به میلیون دلار

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران <https://irica.ir>

¹ Foreign direct investment

بررسی این آمارها نشان می دهد که تراز تجاری ایران در اکثر سال های منفی است و صادرات و واردات کشور نیز طی این سالها دچار نوسان بوده است. یکی از مهمترین دلایلی که این وضعیت را رقم زده است اعمال تحریم ها علیه کشور می باشد. چنانچه مشاهده می شود همزمان با لغو تحریم ها در سال ۱۳۹۴، وضعیت صادرات غیر نفتی هر ساله رو بهبود می نهد و تراز تجاری کشور نیز در برهه هایی مثبت می گردد، اما این وضعیت در سال ۱۳۹۸ همزمان با اعمال و افزایش تحریم های یکجانبه ایالات متحده علیه کشور رو به افول می گذارد و بار دیگر کشور به میزان تقریبا مشابه سال ۱۳۹۲ برمی گردد. البته دولت ها به منظور خنثی سازی و بی اثرسازی تحریم ها تلاش هایی انجام داده اند که بهبود وضعیت صادرات در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ موید این موضوع است، اگر چه بار دیگر تراز تجاری در شرایط منفی قرار گرفته است.

بررسی آمار سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران طی ده سال اخیر و قیاس آن با برخی کشورهای همجوار تصویر روشن تری از تاثیر تحریم ها بر وضعیت دیپلماسی اقتصادی کشور را نشان می دهد. (Unctad, 2023) چنانچه رویت می شود که علی رغم وجود روند صعودی تا زمان انعقاد برجام، در سال ۲۰۱۸ همزمان با خروج غیرقانونی ترامپ از برجام وضعیت سرمایه گذاری خارجی در کشور دچار کاهش چشمگیری می شود که تا ۲۰۲۲ همچنان ادامه داشته است. این در حالی است که کشورهای نظیر ترکیه، امارات و مصر به جز برهه ای که بخاطر کرونا بعضا دچار افت سرمایه گذاری شدند، در مجموع روند صعودی در این شاخص داشته اند.

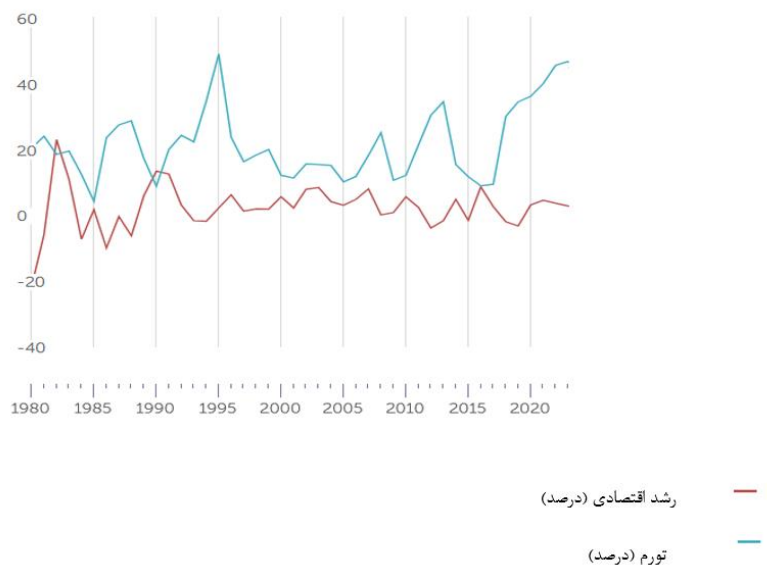
سال	صادرات	واردات	تراز تجاری
۱۳۹۲	۳۱.۵۵۲	۴۹.۷۰۹	-۱۸.۱۵۷
۱۳۹۳	۳۶.۵۵۵	۵۳.۵۶۹	-۱۷.۰۱۴
۱۳۹۴	۴۲.۴۲۹	۴۱.۵۳۹	-۰.۸۹
۱۳۹۵	۴۴.۰۴۲	۴۳.۶۸۳	۰.۳۵۹
۱۳۹۶	۴۶.۹۸۲	۵۴.۴۵۹	-۷.۴۷۷
۱۳۹۷	۴۴.۶۷۰	۴۳.۱۶۸	۱.۵۰۲
۱۳۹۸	۴۱.۴۲۳	۴۴.۰۹۱	-۲.۶۶۸
۱۳۹۹	۳۴.۸۶۰	۳۸.۸۹۰	-۴.۰۳
۱۴۰۰	۴۸.۴۴۰	۵۲.۹۹۶	-۴.۵۵۶
۱۴۰۱	۵۴.۱۳۹	۶۰.۳۰۹	-۶.۱۷

میزان صادرات غیرنفتی، واردات و تراز تجاری ایران به میلیون دلار

منبع: آنکتاد / <https://unctad.org/>

افزون بر این، شاخص های کلان اقتصادی مانند نرخ رشد، درآمد سرانه و تورم نیز می توانند بطور غیرمستقیم تصویری از شرایط دیپلماسی اقتصادی کشور بدست دهند، اگر چه بطور اجتناب ناپذیری این شاخص های کلان متاثر از مجموعه عوامل دیگر نظیر میزان فروش نفت، سیاست های اقتصادی دولت و میزان رونق کسب و کار در کشور نیز می باشند. اما بررسی کلی این شاخص ها نیز بر اساس نمودار زیر نشان می دهد که شرایط کلان اقتصادی نیز در بیش از یک دهه اخیر دچار نوسان های مختلفی بوده است. (IMF, 2023)





منبع: صندوق بین المللی پول <https://www.imf.org>

۵- آسیب شناسی دیپلماسی اقتصادی ایران

اکنون و با آگاهی از شاخص های دیپلماسی اقتصادی کشور، این امکان وجود دارد که با درک افزون تری به موضوع آسیب شناسی در عرصه سیاست گذاری این دیپلماسی پرداخت.

عدم اهتمام جدی نسبت به رفع و خنثی سازی تحریم ها: مطالعات نشان می دهد که تحریم های بین المللی علیه ایران به طور قابل توجهی بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشته اند و این تأثیر هم از نظر تجارت (واردات و صادرات)، سرمایه گذاری (ورود و خروج) و توسعه صنعت نفت چشمگیر است. (Akbariavaz, 2022) اعمال تحریم ها علیه کشور که بعضاً به صورت چندجانبه و یا یک جانبه از سوی قدرت های بزرگ و یا با مداخله گری آنها صورت گرفته است، یکی از موانع پیش روی اقتصاد کشور بطور کلی و دیپلماسی اقتصادی بطور خاص است. گره خوردن سیاست به اقتصاد و بحران سازی هایی که کشورهای غربی به خصوص آمریکا نسبت به برنامه صلح آمیز هسته ای ایران داشته اند، یکی از دلایل اصلی و عمده اعمال این تحریم ها علیه کشور می باشد. تحریم هایی که بیشترین صدمه را به اقتصاد کشور وارد کرده اند مرتبط با تحریم صادرات فروش نفت، تحریم صادرات غیرنفتی برخی کالاها مانند فولاد، تحریم های پولی و بانکی، تحریم بیمه و تحریم صنعت کشتیرانی است. (آوریده و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۴۱-۳۳۶) به عنوان نمونه صنعت کشتیرانی، با سهم ۸۸ درصدی از کل حمل و نقل تجاری، یکی از اصلی ترین پیشران های تجارت خارجی و توسعه اقتصادی محسوب می شود که با تحریم های شدیدی مواجه شده است و وابستگی بخش قابل توجهی از تجارت ایران به کشتیرانی باعث شده تا اثرگذاری تحریم های کشتیرانی ایران در تنزیل شاخصه های تجاری و اقتصادی افزایش یابد. (بایزیدی و میرترابی، ۱۴۰۱: ۹) هر کدام از این تحریم ها به تنهایی کافی است که چرخه دیپلماسی اقتصادی یک کشور را تحت الشعاع قرار دهد. تداوم تحریم ها علاوه بر مضرات دفعی آن، فضای بدبینی برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی ایجاد می کند و ممکن است مدت ها طول بکشد تا این فضا تغییر یابد. در نتیجه، اهتمام جدی نسبت به رفع تحریم ها در کنار تلاش ها به منظور خنثی سازی و بی اثرسازی آنها یک ضرورت اساسی برای پیشبرد دیپلماسی اقتصادی کشور است. زمانی که ترامپ

با خروج خود از برجام زمینه‌ی اعمال تحریم‌های همه‌جانبه و شدید را علیه ایران ایجاد نمود، امکان همکاری با وی با توجه به اینکه وی فردی غیرقابل پیش‌بینی بود تا حدود زیادی برای سیاستمداران ایرانی دشوار بود. با این وجود عدم انتخاب مجدد ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ شرایط را برای بازگشت آمریکا به برجام در دوره بایدن تا حدودی فراهم کرد. اکنون بازگشت دوباره ترامپ به قدرت در سال ۲۰۲۴ اگر چه با چالش‌هایی برای سیاست خارجی ایران همراه است، اهتمام جدی برای رفع تحریم‌ها را طلب می‌کند. برای این منظور مذاکره‌کنندگان ایرانی می‌توانند با خنثی‌سازی درخواست‌های بیش از حد معمول و از بین بردن بهانه‌های طرف مقابل، زمینه را برای گشایش سریع‌تر مذاکرات فراهم آوردند، چرا که رفع تحریم‌ها پیامدهای قابل توجهی بر اقتصاد و به طور خاص بر دیپلماسی اقتصادی کشور خواهد داشت.

اقدام ضروری دیگر که بیشتر جنبه اقتصادی دارد، زمینه‌سازی به منظور بی‌اثرسازی و خنثی‌سازی تحریم‌ها است. در خنثی‌سازی تحریم‌ها، به جز تلاش به منظور رفع تحریم، اقداماتی نظیر صدور مجوزهای موردی، استفاده از ابزارهایی نظیر پیمان پولی، بانکداری فراساحلی، رمزارز و... مدنظر است و اصلاحات اقتصادی داخلی نیز وجه اساسی آن به شمار می‌رود. (ترابی فرد و رزم‌آهنگ، ۱۴۰۲: ۶)

فقدان استراتژی کلان مبتنی بر وابستگی متقابل با همسایگان: در دنیای امروز که بسیاری از مرزها درهم نوردیده شده است، اقتصاد و تجارت جایگاهی محوری و عمده در تعاملات بین‌المللی پیدا کرده است و هر کشوری که نقش بیشتری در این اقتصاد جهانی داشته باشد علاوه بر مزایای اقتصادی از مواهب مربوط به مصون ماندن در عرصه سیاسی نیز بهره‌مند می‌گردد. از سوی دیگر جدایی و انفکاک از اقتصاد جهانی و منطقه‌ای این فرصت را برای قدرت‌های مداخله‌گر خارج از منطقه فراهم می‌کند تا ابزارهای بیشتری برای تنبیه کشوری که با آن تعارضات سیاسی دارند، داشته باشند. وجه حائز اهمیت و اساسی دیگر، نقشی است که روابط در هم تنیده اقتصادی در میان خود کشورهای منطقه ایفا می‌کند. چنانچه ایران بتواند استراتژی وابستگی متقابل میان اقتصاد خود با سایر قدرت‌های منطقه‌ای و به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس را دنبال کند، این مزایا برای کشور و منطقه حاصل می‌گردد: نخست اینکه امکان تعامل به منظور حل بسیاری از تعارضات سیاسی موجود در منطقه فراهم می‌گردد، دوم اینکه در اثر همکاری‌های سیاسی و امنیتی در ذیل همکاری‌های اقتصادی، ثبات سیاسی در منطقه افزایش می‌یابد و سوم اینکه زمینه برای شکستن معمای امنیتی که در ذهنیت اعراب نسبت به نیت ایران و متقابلاً در ذهن ایرانیان نسبت به اعراب شکل گرفته است، فراهم می‌گردد. در واقع با رفع تحریم‌ها و تلاش به منظور سرمایه‌گذاری در کشور زمینه برای در هم تنیدگی اقتصاد کشور با اقتصاد جهانی فراهم می‌شود و بسیاری از انگیزه‌های آتی و زمینه‌های سیاسی به منظور انزوای ایران از بین خواهد رفت. چرا که ایفای نقش موثر در اقتصاد منطقه‌ای و متعاقب آن اقتصاد جهانی از یکسو از تمایل و توان غرب برای اعمال تحریم علیه کشور می‌کاهد و از سوی دیگر همراهی کشورهای منطقه با ایران در جهت جلوگیری از اعمال تحریم علیه کشور را سبب خواهد شد. ممکن است این تصور وجود داشته باشد، هر گونه تعامل اقتصادی در گرو اراده سیاسی است که امری غیر قابل انکار است، اما می‌توان این ایده را حفظ کرد که ضمن وجود تعارضات سیاسی این امکان وجود دارد که راهی به منظور افزایش تعاملات از منفذ راهبردها و همکاری‌های اقتصادی پیدا کرد و در واقع اراده سیاسی می‌تواند مبتنی بر پیش بردن گام‌های اقتصادی علیرغم وجود برخی تعارضات سیاسی باشد.

در حال حاضر امارات در کنار چین، مهم‌ترین شریک تجاری ایران است، اما این کشور به این دلیل یکی از شرکای اصلی تجاری ایران است که امارات در نقش واسطه‌گر نسبت به صادرات و واردات ایران عمل می‌کند، (روزنامه جهان صنعت، ۱۴۰۲) در حالی که چنانچه ایران مراودات تجاری را با منطقه و جهان افزایش دهد و از درگاه‌ها و روزه‌های مختلف اقدام به توسعه مناسبات تجاری خود نماید، می‌تواند محصولات خود را بدون واسطه صادر یا وارد نماید. در نتیجه ایران می‌تواند ضمن تعمیق بخشیدن به روابط خود با کشورهای نظیر امارات، اولاً زمینه را برای گسترش صادرات و واردات خود در دیگر کشورهای همجوار و به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس بوجود آورد و ثانیاً نسبت به ارتقاء کمی و کیفی مراودات تجاری خود بگونه



ای ایفا کند زمینه برای وابستگی متقابل اقتصادی بیش از پیش تقویت شود. این امر علاوه بر صادرات و واردات، نیازمند رویکردهایی به منظور افزایش سرمایه گذاری خارجی متقابل میان ایران و این کشورها است. به همین جهت انجام اقداماتی در جهت تسهیل سرمایه گذاری و فراتر از آن تشویق به سرمایه گذاری و ایجاد بستر امن در جهت اطمینان سرمایه داران برای ورود سرمایه خود به کشور، از دیگر راهکارهایی است که در جهت ایجاد وابستگی متقابل قابل انجام است. در نهایت، حرکت به سمت وابستگی متقابل این زمینه را ایجاد خواهد کرد که پیوستگی اقتصادی و سیاسی ایران با کشورهای منطقه افزایش یابد و همین پیوستگی منجر به کاهش آسیب های دیپلماسی اقتصادی می گردد، چرا که زمینه های هر گونه مشارکت اقتصادی و تجاری بیش از پیش فراهم شده است و اقدامات واگرایانه حتی با مقاصد سیاسی از سوی کشورهای همکار، هزینه زا خواهد بود و لذا در این صورت انگیزه برای همگرایی و تداوم و توسعه همکاری بیش از واگرایی خواهد بود.

فقدان راهبرد عملیاتی مدون مبتنی بر استفاده از فرصت های تجاری: ایران از سه منظر دارای پتانسیل های زیادی در زمینه مرادوات تجاری است. نخست اینکه بهره مندی از جمعیت جوان، تحصیلکرده و متخصص به همراه منابع و ذخایر عظیم و غنی نفتی و غیرنفتی ظرفیت گسترده ای برای تبدیل کشور به یک قطب بزرگ تولید کننده دارد. دوم اینکه ایران از ظرفیت های گسترده صادراتی چه از نظر تولید کالا و چه از نظر راه های انتقال و صدور آن بهره مند است. سوم اینکه بازار بزرگی برای مصرف دارد و لاجرم علاقه مندی زیادی برای دسترسی به این بازار در میان تولیدکنندگان سراسر جهان وجود دارد. چهارم و دست آخر اینکه ایران همچنان که از دیرباز مسیر رفت و آمد و چهار راه ارتباطی دنیا بوده است، همچنان این ظرفیت و پتانسیل را دارد که این نقش تاریخی و حیاتی خود را ایفا نماید. تحقق هر یک از چهار ظرفیت خود نیازمند توجهاتی است که فقدان آنها به اقتصاد و دیپلماسی اقتصادی کشور آسیب وارد می نماید. مورد نخست مستقیماً به دیپلماسی اقتصادی مرتبط نیست، اما می توان انتظار داشت زمانی که کشور کالاهایی با مزیت رقابتی بیشتر نسبت به رقبای تولید می کند، از این توانایی بهره مند خواهد بود که کالاهایی بیشتر با سود مضاعف و در گستره وسیع تری از جهان صادر نماید.

در خصوص ظرفیت های دوم و سوم، آنچه حائز اهمیت است شناسایی ظرفیت ها به منظور ایجاد بلوک های تجاری منطقه ای و آنگاه حرکت به سوی وابستگی متقابل است که پیشتر نیز بر آن تاکید شده بود. ایران تاکنون تلاش های زیادی برای عضویت در بلوک های منطقه ای و جهانی مانند اکو، دی هشت، آسه آن، اوراسیا و اخیراً سازمان شانگهای و گروه بریکس نموده است. به عنوان نمونه علی رغم فرصت های زیادی که توافق نامه اوراسیا برای اقتصاد کشور ایجاد می کند، هنوز تراز تجاری ایران با اکثر کشورهای عضو اتحادیه منفی است. (راسخی، ساعدی و حسینی، ۱۳۹۹: ۷۹) در نتیجه، توفیق بیشتر در راستای استفاده از فرصت های بلوک های تجاری نیازمند توجه به این نکات است: نخست اینکه ثمردهی واقعی و اساسی هر کدام از این ساز و کارهای منطقه زمانی آشکار و قابل لمس خواهد بود که در موضوع رفع تحریم ها اقدامات لازم صورت گرفته شده باشد، در غیر این صورت حتی کشوری نظیر چین که از آن به عنوان متحد ایران یاد می شود نیز با محدودیت های زیادی در جهت گسترش و تعمیق همکاری های اقتصادی با ایران مواجه خواهد بود. دوم اینکه عملیاتی شدن این همکاری های منطقه ای مستلزم تدوین راهکارهایی نظیر کاهش تعرفه ها در قالب کارگروه های مشترک است. بطوری که با انجام اقدامات و تعاملات ملموس، اثر آن در رونق و افزایش مرادوات تجاری ایران با کشورهای هدف قابل مشاهده باشد. دست آخر اینکه در میان مناطق و کشورهایی که ضرورت و نیاز همکاری اقتصادی ایران با آنها وجود دارد، کشورهای حوزه خلیج فارس از اهمیت زیاد و مضاعفی برخوردارند؛ چرا که اثرات همکاری اقتصادی با آنها تنها در اقتصاد جلوه گر نمی شود و می تواند تبعات سیاسی مناسب و قابل ملاحظه ای نیز داشته باشد. بنابراین هر گونه برنامه ریزی در جهت ایجاد بلوک های منطقه ای مستلزم توجه به امکانات و ظرفیت ها کشورهای حوزه خلیج فارس است.

در خصوص چهارمین ظرفیت که مرتبط با مسیرهای تجاری است، ضرورت داشتن استراتژی کلان مبتنی بر تعیین اولویت ها، برنامه ریزی و عملیاتی کردن در بازه زمانی مشخص وجود دارد. این موارد شامل هر سه شکل ارتباطی یعنی زمینی

و ریلی، هوایی و دریایی می شود. مستهلک بودن زیر ساخت ها که متاثر از تحریم ها نیز می باشند، در پیشبرد اهداف در این زمینه خلل ایجاد می کند. از سوی دیگر رقابت با مسیرهای جایگزین به خصوص در شرایطی که برخی قدرتها با مسیرهای عبوری از ایران مخالفت به عمل می آورند، موضوع را با چالش های بیشتری روبرو می کند. در نتیجه در این شکل ارتباطی علاوه بر برنامه ریزی های لجستیک در خصوص تسریع و به انجام رساندن پروژه ها در سطح کیفی مناسب، نیاز است که برنامه ریزی به منظور اقناع سازی همسایگان و کشورهای همجوار برای استفاده از مسیرهای ایران صورت گیرد. زیرا ایران می تواند از طریق کریدورها و مسیرهای مختلف پیوندهای دهنده کشورهای زیادی باشد؛ شامل: ۱- کریدور شمال-جنوب که باعث اتصال هند و روسیه می شود ۲- کریدور شرق-غرب یا جاده ابریشم نوین که باعث اتصال آسیا و اروپا به یکدیگر می شود. ۳- کریدور ترانسیکا که سبب اتصال آسیای مرکزی، قفقاز، ترکیه و اروپای غربی می گردد ۴- کریدور جنوبی آسیا که باعث اتصال جنوب شرقی آسیا به شمال غربی اروپا می شود ۵- اتصال دهنده اعضای سازمان همکاری های اقتصادی اگو و سرانجام، ۶- اتصال دهنده کشورهای آسیای مرکزی به دریاهای آزاد و خلیج فارس بر اساس توافق نامه عشق آباد. (نورعلی و احمدی، ۱۴۰۱: ۱۱۶۱) لذا در این زمینه نیز تلاش به منظور ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی به صورت منطقه ای و فرامنطقه ای اهمیت خواهد یافت. به عنوان نمونه ظرفیت استراتژیک و ژئوپلیتیک سواحل مکران شامل مزیت های ترانزیتی، اقتصادی، انرژی و امنیتی می تواند اقتصاد چین و هند را به ظرفیت های ایران پیوند بزند و با ایجاد وابستگی متقابل بین ایران با چین و هند، قدرت ایران را در معادلات منطقه ای افزایش دهد. (لکزی و اطهری، ۱۴۰۱: ۱۶۳) به ویژه با عنایت به اینکه ایران هنوز بخش مهمی از ابتکار یک کمربند و یک جاده چین محسوب می شود (Zare, 2023: 294)

البته در خصوص مسیرهای تجاری موضوع اصلی، مقابله با اعمال تحریم ها علیه کشور است. چنانکه ناوگان هوایی کشور جهت تحقق ظرفیت های مرتبط با دیپلماسی اقتصادی، نیازمند توسعه، نوسازی و بازسازی است و ضرورت انعقاد قراردادهای بین المللی به منظور تامین این نیاز وجود دارد. استفاده از ظرفیت های دریایی نیز بستگی به رفع تحریم ها علیه کشور در زمینه صنعت های کشتیرانی و بیمه دارد. البته ایران توانایی های قابل توجهی در زمینه ساخت کشتی ها و ناوها پیدا کرده است، اما این تحریم ها خطوط، شرکت ها و بنادر را در جهت کاستن از نقش دریایی و تجاری ایران هدف قرار داده است. بنابراین ضرورت تدوین یک استراتژی مدون و منسجم چندوجهی قابل تاکید است که بر مبنای آن از یکسو ایران ظرفیت های برجسته و اساسی خود را در تولید محصولات دارای مزیت رقابتی شناسایی می کند و در راستای فعال سازی هر چه بیشتر آن گام برمی دارد. از سوی دیگر منطقه یا مناطق هدف خود را برای ایجاد بلوک های تجاری و گام برداشتن در مسیر ایجاد وابستگی متقابل میان خود و آن کشورها مشخص می کند و برای تحقق این هدف با برنامه ریزی و داشتن نقشه ی راه مشخص عمل می کند. در نهایت نیز ظرفیت های خود را به منظور توسعه حمل و نقل زمینی، ریلی، دریایی و هوایی مشخص می نماید و با رفع موانع و اتخاذ راهکارهای مشخص درصدد تبدیل مسیرهای منتهی به ایران به مسیرهای پر اهمیت بین المللی برمی آید.

۶- بحث: تجزیه و تحلیل یافته ها: راهکارهای اصلی و تکمیلی

با توجه به آسیب شناسی صورت گرفته پیشین مجموعه ای از راهکارها شناسایی شد و برخی از شیوه های عملیاتی برای تحقق آنها نیز مطرح گردید. در ادامه ابتدا جمع بندی در مورد این راهکارها ارائه می گردد و سپس به بررسی راهکارهای تکمیلی پرداخته شده است.

۶-۱- راهکارها برای مواجهه با سه آسیب اصلی:

در جدول زیر جمع بندی مربوط به راهکارها برای مواجهه با سه آسیب اصلی که پیشتر مورد بررسی قرار گرفت، ارائه شده است.

راهکار	شیوه های عملیاتی شدن
مواجهه کارآمد با مقوله تحریم ها از طریق رفع با خنثی سازی آنها	<ul style="list-style-type: none"> - به ثمر رساندن مذاکرات هسته ای و مجاب کردن طرف های توافق هسته ای ۲۰۱۵ برای رعایت مفاد توافق و پرهیز از اعمال تحریم های غیرقانونی (یکجانبه) - خنثی سازی تحریم ها از طریق اقداماتی نظیر صدور مجوزهای موردی، استفاده از ابزارهایی نظیر پیمان پولی و اصلاحات اقتصادی داخلی
تمرکز بر سازوکارهای منجر به ایجاد بلوک اقتصادی و وابستگی متقابل اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> - تقویت حضور و جایگاه ایران در بلوک های منطقه ای با انجام اقداماتی نظیر توافق برای کاهش تعرفه ها - تقویت همکاری با کشورهای خلیج فارس و حرکت به سمت ایجاد بلوک تجاری منطقه ای - تسهیل و تشویق به سرمایه گذاری و ایجاد بستر امن جهت ورود سرمایه
تدوین یک استراتژی مدون و منسجم چندوجهی به منظور استفاده ی بهینه از فرصت های تجاری	<ul style="list-style-type: none"> - تمرکز بر تولید کالاهای با مزیت رقابتی بیشتر - داشتن استراتژی کلان برای تعیین اولویت ها، برنامه ریزی و عملیاتی کردن مسیرهای تجاری - اقتناع همسایگان و کشورهای همجوار برای استفاده از مسیرهای تجاری ایران - نوسازی ناوگان هوایی از طریق انعقاد قراردادهای بین الملل (نیازمند رفع تحریم ها) - ایجاد زمینه برای رفع تحریم های غیرقانونی آمریکا در زمینه صنعت های کشتیرانی و بیمه

اکنون در کنار تاکید مجدد بر این راهکارها به عنوان راهکارهای اصلی و اساسی، چند راهکار دیگر به عنوان راهکارهای تکمیلی مورد توجه قرار می گیرد:

۲- پیوستن به سازمان تجارت جهانی به عنوان یک اولویت راهبردی: عضویت در سازمان تجارت جهانی می تواند به تغییر اساسی در زمینه ی وضعیت تجاری و بازرگانی و بالتبع آن اقتصادی کشور منجر شود. (صادقی و ذبیحی، ۱۳۹۹: ۱۲۶) اگر چه با توجه به پیش آمدن موضوعات سیاسی در روابط ایران و غرب نظیر تلاش به منظور بحرانی جلوه دادن برنامه هسته ای ایران و بالتبع آن اعمال تحریم ها، موضوع این عضویت در حاشیه قرار گرفت. اما تاخیر در آن تبعاتی نظیر دور ماندن از اقتصاد جهانی و حتی تداوم سردرگمی های اقتصادی در داخل را به دنبال دارد. در نتیجه هدف گذاری به منظور پیوستن ایران به این سازمان می تواند به اولویتی راهبردی تلقی گردد و تلاش ها بر اساس چنین ارجحیتی سامان یابد. چنانکه پیشتر و در مذاکرات اولیه ایران با کشورهای اروپایی در خصوص مسائل هسته ای و تا پیش از مرداد ماه سال ۱۳۸۴، مورد مذکور جزو اولویتهای اساسی مذاکره کنندگان بود. (روحانی، ۱۳۹۲: ۳۲۳) اما پس از آن، علی رغم برخی تلاش های جسته و گریخته، تقریباً هیچ تغییر مثبتی در وضعیت ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی ایجاد نشده است.

۳- حضور موثر بخش خصوصی در سیاست گذاری های تجاری: حضور بخش خصوصی به منظور سیاستگذاری در بخش های مختلف چرخه اقتصادی از تولید در صنایع مختلف گرفته تا تجارت و بازرگانی داخلی و بین المللی جزو نیازهای مبرمی است که علاوه بر تامین منافع بخش خصوصی در جهت تامین منافع دولت تعبیر شده و در نهایت به خیر عمومی نیز می انجامد. البته طی سال های اخیر این حضور پررنگ تر شده است و دولت ها اهمیت بیشتری برای تعامل با بخش خصوصی قائل شده است. اما نیاز است که بخش خصوصی اطمینان یابد این نقش تثبیت می شود و همچون گذشته با روی کار آمدن دولت های مختلف دچار نوسان نمی گردد. گذر از نااطمینانی برای بخش خصوصی حائز اهمیت بالا است، چرا که در شرایط نااطمینانی، تصمیم آحاد اقتصادی برای تولید، مصرف و سرمایه گذاری متفاوت با شرایط عادی است (مومنی و نوفرستی، ۱۴۰۰: ۷۱۹) و می

تواند اثرات مخربی بر این روندها داشته باشد. تحریم های یکی از عوامل نا اطمینانی است که باید نسبت به آن چاره اندیشی کرد. علاوه بر این، حضور بخش خصوصی در عرصه سیاستگذاری ها به تنهایی کفایت نمی کند و نیاز است که این حضور بگونه ای باشد که این بخش اثرگذاری و اثربخشی خود را در اعمال و اجرای سیاست ها احساس کند. در واقع افزایش تعاملات دولت با بخش خصوصی و برگزاری جلسات مرتب کارشناسی با آنها در کلیه سطوح و در تمامی صنوف و بنگاه های اقتصادی از تولید گرفته تا تجارت و درباره تمامی جوانب ممکن در چرخه اقتصادی، امری ضروری و اجتناب ناپذیر به منظور ارتقاء وضعیت تجاری کشور می باشد.

۴- مقابله با ایران هراسی و برندسازی محصولات ایرانی: امروزه کنار نشستن دولت ها از مسائل اقتصادی و عدم دخالت آنها همانقدر می تواند آسیبزا باشد که دخالت و ورود مستقیم دولت ها نظام اقتصادی و بازار را دچار آسیب کرده است. البته این حضور به معنای مداخله در بازار و یا اقدامات حمایت گرایانه صرف و روش های مرکانتیلیستی نیست، بلکه مراد اعمال نقشی حمایت و هوشمندانه به منظور تقویت و جایگاه صنایع یک کشور و متعاقب آن مبادلات تجاری ناشی از رشد این صنایع است. به عنوان نمونه دولت ها می توانند با کمک به برندسازی محصولات ایرانی از طرق گوناگون در زمینه نقشی حیاتی ایفا کنند. برنامه ریزی به منظور برگزاری فعالانه ی نمایشگاه ها در خصوص محصولات و کالاهای ایرانی و یا در ارتباط با فرصت های گردشگری ایران و یا ارائه کمک و تسهیلات به برندهای ایران برای حضور موثر و جدی تر در نمایشگاه های بین المللی و یا هر گونه اقدام تبلیغی دیگر که به این مسیر کمک می نماید، همگی می تواند به عنوان یاری رساندن نظام تجاری کشور تلقی گردد. همچنین انجام مجموع اقدامات سیاسی و فرهنگی به رفع و یا کاهش ایران هراسی بینجامد نیز جزو دیگر عواملی باشد که به بهبود روند تجاری کشور می انجامد.

۵- اصلاح قوانین و نظام حقوقی به منظور تسهیل روابط تجاری و سرمایه گذاری: وضعیت نظام حقوقی تجاری ایران نیازمند کارآمدی و همسانی بیشتر با حقوق تجارت بین الملل است. (کامل، ۱۳۹۸: ۳۱۷-۳۱۸) و (باغبان، قنبری جهرمی و باقری، ۱۳۹۶: ۱) چرا که ایران به عنوان عضو از جامعه بین المللی ناگزیر از اعمال و یا تعامل با نظام های حقوقی بین المللی تجاری جاری در دنیا است. هر چه این تعاملات حقوقی بیشتر و گسترده تر باشد، احتمال کارآمدی و کارایی تجاری کشور و شهروندان آن افزایش می باید و لذا توجه برای همسان سازی و هماهنگی با نظام های حقوقی بین المللی اجتناب ناپذیر محسوب می شود. از سوی دیگر قوانین و نظام حقوقی در زمینه سرمایه گذاری نیازمند آسان سازی و اعطای فرصت های تشویقی بیشتر به سرمایه گذاران است. یعنی با اصلاح نظام حقوقی حاکم بر روابط تجارت خارجی کشور زمینه ی ورود سرمایه به ایران تسهیل گردد.

۶- وجود فرماندهی واحد اقتصادی در امر تجارت: وزارت خانه ها و سازمان های مختلفی از جمله وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت اقتصاد و امور دارائی، وزارت نفت و وزارت خارجه دست اندرکار در امور تجارت خارجی و بازرگانی کشور هستند. اما بعضا پراکندگی و بودن وظایف مشابه سبب شده که در برخی موارد موازی کاری و اتلاف انرژی صورت گرفته و وظایف محوله به نحو احسن اجرا نگردد. در حالی که وجود فرماندهی واحد در امر تجارت و بازرگانی می تواند ایران را تا حدی زیادی در نیل به اهداف تجاری خویش موفق تر نماید. احیای وزارت تجارت و بازرگانی یک راهکار جدی در این زمینه تلقی می شود.

۷- ارتقا کمی و کیفی رایزنان بازرگانی: رایزنان بازرگانی خیره و متخصص جزو مهم ترین عوامل تاثیر گذار در توسعه بازرگانی بین کشور متبوع خود و سبب سرزمین ها هستند؛ و تحولات فزاینده در عرصه بین المللی از کمرنگ شدن مرزها گرفته تا محوریت یافتن نقش شبکه های اجتماعی از اهمیت جایگاه این شیوه از دیپلماسی اقتصادی نکاسته است. از جمله دلایل کاسته نشدن از اهمیت رایزنان بازرگانی علیرغم تحولات پیش گفته این است که رایزنان بازرگانی به سبب حضور فعال خود در بازارهای هدف قادرند اطلاعات دست اولی در مورد اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور مورد نظر، روند عرضه و تقاضا، تحولات قیمت ها،



فعالیت های رقبا، نمایشگاه های تجاری، کالاهای رقیب و نظایر آنها کسب کرده و جامعه تجاری کشور متبوع خود را بیش از پیش آگاه نمایند. آنها همچنین برقراری ارتباط مستقیم با شخصیت های تراز اول کشور مورد نظر، روسای سازمانها و بنگاه های اقتصادی و مقامات تصمیم گیرنده به مراتب اهمیتی بیشتر از مکاتبه با مذاکره غیر مستقیم با این افراد دارد. (غروی، ۱۳۹۸)

در نتیجه ارتقای کیفی رایزنان بازرگانی از طریق برگزیدن رایزنان کاملا متخصص و باتجربه و افزایش دانش و انگیزه رایزنان برای انجام ماموریت های محوله، امری اجتناب ناپذیر تلقی می گردد. در کنار آن، لازم است شمار رایزنان اعزامی به دیگر کشورها همه به لحاظ تعداد و هم به لحاظ گستره ی فراگیری در قاره های مختلف افزایش یابد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

ظرفیت های تجاری ایران در جهت ارتقاء دیپلماسی اقتصادی بی شمار هستند، اما تحقق آنها نیازمند تلاش های مستمر همراه با اراده ی جدی است. افزون بر این آسیب شناسی در خصوص جنبه های مختلف مرتبط با دیپلماسی اقتصادی می تواند ضمن آشکار کردن چالش ها و معضلات موجود، زمینه ای را فراهم نماید تا به علت یابی و ریشه یابی در این زمینه ها بپردازد. مرحله ی بعد تدوین و توسعه راهکارها و راه حل های ممکن به منظور برون رفت از وضعیت فعلی و یا حداقل بهبود نسبی شرایط است. البته تاکنون تلاش های زیادی از سوی دولت های مختلف در جهت تبلور یافتن این ظرفیت ها صورت گرفته است که از جمله می توان به گام برداشتن در راستای انعقاد قراردادهایی به منظور ایجاد بلوک های تجاری و نیز اقدامات در جهت ارتقا کمی و کیفی مسیرهای تجاری منتهی به ایران اشاره کرد. با این وجود این نیاز وجود دارد که مجموعه آسیب های منجر به عدم شکوفایی دیپلماسی اقتصادی بطور یکجا شناسایی شده و در قالب یک طرح کلی منسجم و مدون و یکپارچه در جهت رفع موانع و چالش های مرتبط با آن اقدام شود. جز این، اهم و فی الایم داشتن در خصوص این اقدامات از اهمیت بسیاری برخوردار است. به عنوان نمونه، رفع و خنثی سازی تحریم ها در میان تمامی راهکارها و راه حل های موجود از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین در خصوص اینکه کدام کشورهای همجوار اولویت بیشتری نسبت به سایر مناطق در جهت ایجاد بلوک تجاری و روابط متقابل اقتصادی دارند، کشورهای حاشیه خلیج فارس دارای اهمیت ویژه ای هستند. مشخص نمودن مسیرهای تجاری که برای ایران بیشترین منفعت اقتصادی را به همراه خواهد داشت و تلاش متمرکز برای به ثمر رساندن آن مسیرها هم از لحاظ لجستیکی و هم به لحاظ اقناع سایرین در جهت استفاده از این مسیرها، جزو دیگر اولویت هایی است که در خصوص ارتقای دیپلماسی اقتصادی کشور قابل انجام است.

منابع

- آوریده، مالک و همکاران (۱۴۰۲). مقایسه تأثیر تحریم‌های ایالات متحده علیه ج. ا. ایران و ونزوئلا در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و تأثیرات اقتصادی آن. *مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*. ۶ (۱)، ۳۲۱-۳۵۳.
- باغبان، رحیم، قنبری جهرمی، محمد جعفر و باقری، محمود. (۱۳۹۶). جنبه‌های حمایتی حقوق ایران در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مطالعه تطبیقی با استانداردهای بین‌المللی. *تحقیقات حقوقی بین المللی*. ۱۰ (۳۶)، ۱-۲۴.
- بایزیدی، رحیم و میرترابی، سیدسعید (۱۴۰۱). تحریم صنعت کشتیرانی ایران؛ روند پژوهی، ابعاد و اهداف. *فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج. ا. ایران*. ۶ (۴)، ۹-۴۰.
- ترابی فرد، میلاد و رزم آهنگ مهدی (۱۴۰۲). ابتکار راهبردی ایران؛ جانمایی جدید و بازتعریف نقش ایران در اقتصاد جهان (۱) خنثی‌سازی تحریم به چه معناست؟. *گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)*. اردیبهشت ۱۴۰۲.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲). «سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل از دید نظریه‌های روابط بین‌الملل». *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*. شماره ۳۳. بهار ۱۳۸۲.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۶). بررسی بحران‌های چهارگانه در نظریه روابط بین‌الملل. *فصلنامه سیاست خارجی*. سال یازدهم. شماره ۴.
- حیدری، محمد و انعامی‌علمداری، سهراب (۱۳۹۱). دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *علوم سیاسی - دانشگاه آزاد کرج*. ۲۰ (۸)، ۳۹-۶۲.
- دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۸). *دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: وزارت امور خارجه. مرکز چاپ و انتشارات.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۲). *تحول نظریه‌های منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل*. پژوهش حقوق عمومی، ۵ (۸)، ۷۳-۱۱۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، سلیمی، حسین و منادی زاده، محمدحسین (۱۳۹۸). روابط هند و آمریکا از منظر وابستگی متقابل (۲۰۱۵-۱۹۹۰). *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*. سال هفتم. بهار و تابستان ۱۳۹۸. شماره ۱۴.
- ذوالفقاری، مهدی و زینی‌وند، حسین (۱۳۹۷). دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دوره احمدی نژاد و روحانی. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱ (۱)، ۶۷-۹۴.
- راسخی، سعید، ساعدی، رویا و حسینی، سیدعباس (۱۳۹۹). ارزیابی تراز اقلام امتیازی توافق‌نامه ایجاد ترتیبات تجارت آزاد بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا. *سیاست و روابط بین‌الملل*، ۴ (۷)، ۷۹-۱۱۰.
- روزنامه جهان صنعت (۱۴۰۲). امارات، شریک سودآور تجاری ایران. بازیابی شده از: <https://jahanesanat.ir/?p=399249>
- روحانی، حسن (۱۳۹۲). *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام. مرکز تحقیقات استراتژیک.
- صالحی، مختار (۱۳۹۳). دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی (دوران صلح‌گرایی مردم سالار). *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۸ (۲۸)، ۴۳-۶۳.
- صادقی، اکبر و ذبیحی، رضا (۱۳۹۹). *تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- غروی‌ان، محمدصابر (۱۳۹۸). اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران. نقش رایزنان بازرگانی ایران در توسعه تجارت بازیابی شده از: <http://www.tccim.ir>
- فتحی، یحیی (۱۳۸۸). ساختار و تحولات ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک منطقه و جهان: درس‌هایی برای دیپلماسی اقتصادی ایران. *پژوهش‌نامه سیاست خارجی*. دی ۱۳۸۸، ۱۷ (۱)، ۱۰۷-۱۴۸.



- قلی پور نوروزی، آرزو، بزرگر، کیهان، شاهنده، بهزاد. (۱۴۰۰). چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط ژئوپولیتیکی جدید. *فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)*، (۴۳) ۱۱، ۴۰۵-۳۸۳.
- کامل، حمید. (۱۳۹۸). موانع حقوقی جذب و پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران. *نشریه قانون یار*، ۳(۱۳)، ۳۵۴-۳۱۷.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۲). آمارهای سالیانه. بازیابی شده از:

https://www.irica.gov.ir/web_directory/55335

- لکزی، مهدی و اطهری، اسدالله (۱۴۰۱). نقش سواحل مکران در پیشبرد قدرت منطقه‌ای ایران. *فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی* ج. ۱. ایران، ۱(۱)۶، ۱۶۳-۱۹۰.
- مومنی، سیدمجید و نوفرستی، محمد (۱۴۰۰). نااطمینانی اقتصادی و تاثیر آن در هزینه‌های مصرف و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد ایران. *پژوهش‌های پولی-بانکی*، ۵۰ (۱۴)، ۷۴۵-۷۱۹.
- نورعلی، حسن و احمدی، سیدعباس (۱۴۰۱). واکاوی نقش ژئوپولیتیکی ایران در کریدورهای بین‌المللی و ارائه مدل. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۴(۳)، ۱۱۸۷-۱۱۱۶.

- Akbariavaz, Khalil (2022). *The Impact of International Sanctions on the Lifestyle of the Iranian People*. Eliva Press.
- Alfaro-Urena, A., Castro-Vincenzi, J., Fanelli, S., & Morales, E. (2023). *Firm export dynamics in interdependent markets* (No. w31610). National Bureau of Economic Research.
- Beshkar, M., & Lashkaripour, A. (2017). Interdependence of trade policies in general equilibrium. *Center for Applied Economics and Policy Research (CAEPR) Working Paper*, 3.
- Baranay, P. (2009). *Modern economic diplomacy*. Latvia: Publications of Diplomatic Economic Club.
- Bergeijk, Peter A.G. Van (1995). "The Impact of Economic Sanctions in the 1990s", *The World Economy*, 18 (3), 443-455
- Bergeijk, Peter A.G. Van., Moons. Selwyn J.V (2018). Introduction to the Research Handbook on Economic Diplomacy, in: Peter a.G. Van Bergeijk and Selwyn J.V. Moons(eds), *Research Handbook on Economic Diplomacy*, Edward Elgar Publishing Limited.
- Charles, V., Gherman, T., & Emrouznejad, A. (2022). The role of composite indices in international economic diplomacy. In *Modern indices for international economic diplomacy* (pp. 1-17). Cham: Springer International Publishing.
- Hopf, Ted (1998) "The Promise of Constructivism in International Relation Theory", *International Security*, 23 (1).
- IMF (2023). ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN. Online at: <https://www.imf.org/en/Countries/IRN#whatsnew>
- - Justinek, Gorazd (2018). (Economic) Diplomacy: Need of a New Paradigm?. in: Peter a.G. Van Bergeijk and Selwyn J.V. Moons(eds), *Research Handbook on Economic Diplomacy*, Edward Elgar.
- Keohane, R., & Nye, J. (1977). *Power & Interdependence*, (4th Edition). Longman Classics in Political Science.
- Keohane, R. (1984). *After hegemony: Cooperation and discord in the World political economy* Princeton. Princeton University Press, N. J.
- Keohane, Robert O. and Joseph S. Nye Jr. (1987), "Power and Interdependence Revisited", *International Organization*, 41 (4), 725-753.
- Krasner, Stephen D. (1982) "Structural Causes and Regime Consequences: Regimes as Intervening Variables", *International Organization*, 36 (2).